

**A New Analysis of the Elements of Sexual Harassment with an Approach to
Article 619 of the Iranian Penal Code and the UK Equality Act 2010**

Muhammad Rusoul Ahangaran, Full Professor, University of Tehran (Farabi University), ahangaran@ut.ac.ir

Ahmad Saberi Majd, Phd of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran (Farabi University), ahmad.saberimajd@ut.ac.ir

Article Info

Extended Abstract

Date received: 28/01/1403
Date confirmed: 12/09/1403

**Sexual Harassment,
Article 619 of the Penal Code,
Sexual Behaviors,
UK Equality Act 2010,
Crime Actors,
Psychological Harm to the Victim,
Place of Crime.**

1- Introduction

(Generated based on Conclusion - assuming the Introduction should cover this)

Sexual harassment constitutes a criminal behavior endangering individuals' moral personality, prevalent across societies yet often lacking thorough criminological study (Hudson, 2017). While precise statistics are scarce, scattered reports indicate its widespread nature, necessitating careful examination of harassing behaviors within legislative and judicial frameworks (Sweeting et al., 2022). The UK's Equality Act 2010 provides a comprehensive framework against discrimination and harassment, consolidating previous laws and aligning with EU directives, specifically addressing sexual harassment in Sections 26 and 40, alongside related discrimination clauses (Arts. 13 & 14). Conversely, the Iranian penal system lacks a specific crime of "sexual harassment," subsuming related conduct under the broad term "molestation" (muzāhimat) in Article 619 of the Ta'zirat Act 1996. This broad approach arguably overlooks certain harassing behaviors. This paper evaluates the Iranian legislator's approach to sexual harassment, analyzing the three elements of the crime comparatively with the UK's Equality Act 2010, building upon, yet distinct from, prior non-criminal or less comprehensive analyses (e.g., Paknahad, 2013), aiming to provide a detailed criminal law perspective and propose legislative reform.

2- Methods

This research employs a descriptive-analytical method based on library and documentary studies. It involves a comparative legal analysis of the elements of sexual harassment under Article 619 of the Iranian Ta'zirat Act and relevant sections (primarily 13, 14, 26, and 40) of the UK Equality Act 2010, examining legal texts, doctrine, and relevant scholarly literature.

3- Results

The analysis reveals significant limitations in Article 619 of Iran's Ta'zirat Act regarding sexual harassment. Its general nature fails to specifically address the range of behaviors constituting sexual harassment. Key findings include: 1) Sexual harassment is distinct from sexual assault, encompassing non-physical (verbal) acts. 2) The crime is realized by the act of causing harassment, irrespective of frequency, assessed using a combined subjective-objective standard. 3) While Article 619 aims to protect women and children primarily in public, its applicability in private spaces is ambiguous. 4) The offense is categorized as a crime against moral personality. 5) Victim scope under Article 619 is limited (women/children), while perpetrator scope is general (applying only to natural persons). 6) The means of commission are not specified but include both verbal and physical actions. 7) The crime requires a result (causing harassment). 8) It requires both general intent (knowledge and will) and specific intent (intent to harass for sexual gain), the latter needing proof. In contrast, the UK Equality Act 2010 provides a broader definition, covers harassment irrespective of location, and recognizes any person as a potential victim or perpetrator, offering a more comprehensive framework.

4- Conclusion

Based on the evaluation of Article 619 of the 1996 Ta'zirat Act and the Iranian criminal system's approach to sexual harassment, it is evident that the general nature of this article leads to overlooking many harassing behaviors and affects sentencing outcomes. It is advisable for the legislator to address sexual harassment as an independent crime, not subsumed under general molestation, to provide effective legal response and protect victims' moral personality. The analysis of the crime's elements under Article 619 showed: 1) Sexual harassment has generality and specific particularity relationship with sexual assault (which involves physical acts); the concurrent mention likely emphasizes this. The crime requires a positive material act. 2) Realization depends merely on 'causing sexual harassment', frequency is irrelevant; behavior judged by combined subjective-objective criteria. 3) The aim of protecting women/children suggests applicability in private spaces, though explicit mention is recommended. 4) It's a crime against moral personality. 5) Applies to natural persons; victims limited to women/children, excluding adult males. 6) Means are unspecified; includes verbal and physical acts. 7) It's a result-crime (requiring harassment to be caused). 8) Requires general intent (knowledge/will) and specific intent (harassment for sexual gain), which must be proven, contrary to some views. Awareness of victim identity isn't required. 9) The UK Equality Act 2010 eliminates location restrictions and recognizes universal victim/perpetrator potential. Based on comparative analysis, recommendations for Iranian legislation include: enacting specific sexual harassment law; providing a comprehensive definition (inspired by Equality Act s.26); enhancing victim protection; promoting education; expanding the crime's scope (inspired by Equality Act ss. 40, 13, 14); removing location restrictions; recognizing any person as victim/perpetrator. It is hoped that legal reform based on these suggestions will lead to a more effective response to sexual harassment in Iran.



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خوارهرن
پژوهش‌های زن و خانواده

مطالعات جنسیت و خانواده

تحلیل نوین از عناصر جرم مزاحمت جنسی با رهیافتی به ماده ۶۱۹ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و قانون برابری ۲۰۱۰ انگلستان

محمد رسول آهنگران (نویسنده مسئول)

استاد تمام، دانشگاه تهران (دانشکدگان فارابی) ahangaran@ut.ac.ir

احمد صابری مجد

دانش آموخته مقطع دکتری دانشگاه تهران (دانشکدگان فارابی) رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی،
ahmad.saberimajd@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶
تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

مزاحمت جنسی از جمله رفتارهایی است که قانون‌گذار ایران آن را به‌طور خاص جرم‌انگاری نکرده است و تنها تحت عنوان عام مزاحمت در ماده ۶۱۹ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به آن پرداخته شده است. این نوشتار با رویکردی تحلیلی و تطبیقی به ارزیابی ماده ۶۱۹ تعزیرات در ارتباط با جرم مزاحمت جنسی می‌پردازد. با بررسی این ماده قانونی و با توجه به قانون برابری ۲۰۱۰ انگلستان، نواقص و کاستی‌های قانون ایران در جرم‌انگاری مزاحمت جنسی آشکار می‌گردد. از جمله این کاستی‌ها می‌توان به عام بودن ماده ۶۱۹، جرم‌انگاری نشدن برخی از رفتارهای آزاردهنده جنسی و محدودیت در شناسایی بزه دیده و مکان ارتکاب جرم اشاره کرد. در این پژوهش، با تحلیل عناصر سه‌گانه جرم مزاحمت جنسی، خلأهای قانونی در این زمینه مشخص می‌شوند، پیشنهادهایی برای بهبود قانون‌گذاری ارائه می‌گردد؛ برای نمونه پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ایران برای مقابله کیفری مؤثر و حمایت از شخصیت معنوی بزه دیدگان، جرم مزاحمت جنسی را با عنوانی مستقل، تعریفی جامع و مجازات‌هایی متناسب به رسمیت بشناسد. همچنین، با الهام از قانون برابری ۲۰۱۰، دامنه جرم گسترش یابد، محدودیت مکان ارتکاب جرم حذف گردد و هر شخصی، بدون توجه به جنسیت، گرایش جنسی یا سن، به عنوان بزه دیده یا مرتکب جرم شناسایی شود.

مزاحمت جنسی،
ماده ۶۱۹ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، رفتارهای
جنسی،
قانون برابری ۲۰۱۰ انگلستان،
کنشگران جرم،
آسیب روانی بزه‌دیده،
مکان ارتکاب جرم.

مقدمه

مزاحمت جنسی از جمله رفتارهای مجرمانه‌ای است که شخصیت معنوی افراد را به مخاطره انداخته و در همه جوامع، ظهور و بروز داشته و کمبود مطالعه جرم‌شناسانه دقیق از چنین جرمی مشهود است (هادسون،^۱ ۲۰۱۷م، ص ۳). اگرچه آمار دقیق و مستندی از جرم مزاحمت جنسی در جوامع گوناگون وجود ندارد، با توجه به گزارش‌های پراکنده می‌توان شیوع چنین جرمی را تشخیص داد که لازمه آن مطالعه دقیق رفتارهای مزاحمت‌آمیز جنسی در حوزه نهادهای قانون‌گذاری و قضایی است (سویتینگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۲م، ص ۲).

قانون برابری ۲۰۱۰ (مصوب ۱۵، ۲۰۱۰) کشور انگلستان که در دوران نخست‌وزیری گوردون براون به تصویب رسید، با هدف تجمیع، به‌روزرسانی و تکمیل قوانین و مقررات متعدد پیشین در حوزه تبعیض، قانون اصلی ضد تبعیض در انگلستان، اسکاتلند و ولز شناخته می‌شود. برخی از بخش‌های این قانون در ایرلند شمالی نیز اعمال می‌شود.^۳ این قانون جایگزین قوانینی مانند قانون پرداخت برابر ۱۹۷۰، قانون تبعیض جنسی ۱۹۷۵، قانون روابط نژادی ۱۹۷۶ و قانون تبعیض معلولیت ۱۹۹۵ شد؛ همچنین شامل ابزارهای قانونی برای محافظت در برابر تبعیض در اشتغال بر اساس مذهب یا عقیده، گرایش جنسی و سن نیز است.^۴ اهداف این قانون با چهار شیوه‌نامه اصلی اتحادیه اروپا در مورد رفتار برابر همسوست و مفاد آنها را منعکس و اجرا می‌کند.^۵ مزاحمت جنسی در انگلستان به‌طور خاص در بخش ۱۴ و در مواد ۲۶ و ۴۰ قانون برابری بحث شده است.^۶ افزون بر ماده ۲۶، مواد دیگری نیز در قانون برابری وجود دارند که می‌توان در ارتباط با مزاحمت جنسی به آنها استناد کرد؛ برای نمونه ماده ۱۳ (تبعیض مستقیم) می‌تواند در مواردی که فردی به دلیل جنسیت خود، مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرد، استفاده شود. همچنین ماده ۱۴ (تبعیض ترکیبی) می‌تواند در مواردی که فردی به دلیل ترکیبی از ویژگی‌هایی مانند جنسیت و نژاد خود، مورد

1. Hudson.
2. Sweeting.
3. Equality Act 2010.
4. McGaughey, 2019.
5. EU Directive 2000/78/EC.
6. Equality and Human Rights Commission.

آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرد، قابل استناد باشد.^۱

جرم مزاحمت جنسی در نظام کیفری ایران ذکر نشده است؛ اما قانون‌گذار ایرانی عنوان عام «مزاحمت» را با قلمروی گسترده‌ای در ماده ۶۱۹ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در نظر گرفته است. چنین رویکردی در نظام کیفری ایران را می‌توان به نادیده انگاشتن برخی رفتارهای ایجادکننده مزاحمت جنسی دانست که مناسب است ارزیابی شود. براین اساس این نوشتار به بررسی و ارزیابی رویارویی قانون‌گذار ایرانی با جرم مزاحمت جنسی پرداخته و با توجه به قانون برابری ۲۰۱۰ انگلستان که نگاه جامعی به مزاحمت جنسی داشته، به تحلیل عناصر سه‌گانه جرم مزاحمت جنسی می‌پردازد.

در رابطه با پیشینه این بحث می‌توان به مقاله امیر پاک‌نهاد اشاره کرد که در سال ۱۳۹۲ با عنوان «تحلیل حقوقی - جرم‌شناختی مزاحمت جنسی» انتشار یافته است. رویکرد اصلی این مقاله، غیرکیفری است و به مستندات قانونی جرم مزاحمت جنسی نیز اشاره کرده است؛ ولی به طور مستوفی تمام زوایای بحث کیفری واکاوی نشده است؛ لذا جستار حاضر تلاش دارد عناصر جرم مزاحمت جنسی را بررسی و ارزیابی کند و طرح جرم‌انگاری آن را به گونه‌ای مستقل مطالعه نماید. در این مقاله، نخست مفهوم مزاحمت جنسی و عنصر قانونی آن در حقوق ایران و انگلستان بررسی می‌شود. سپس به تحلیل عنصر مادی جرم مزاحمت جنسی شامل ماهیت جرم، سنجه تشخیص رفتار مجرمانه، مکان ارتکاب جرم، کنشگران جرم، وسیله و نوع فعل مجرمانه و حصول نتیجه مجرمانه پرداخته می‌شود. در ادامه عنصر معنوی جرم مزاحمت جنسی شامل سوءنیت عام و خاص، مورد بحث قرار می‌گیرد. درنهایت با جمع‌بندی مطالب، پیشنهادهایی برای اصلاح قانون‌گذاری در ایران ارائه می‌شود.

۱. مفهوم مزاحمت جنسی

مزاحمت جنسی از نظر لغوی از دو واژه «مزاحمت» و «جنسی» تشکیل شده است. مزاحمت به معنای تعرض، آزرده‌گی، رنج رساندن و تنگی کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ج ۲: ۲۶۸۴؛ معین، ۱۳۸۴: ج ۲: ۱۷۰۷). واژه دوم این مفهوم منسوب به «جنس» و به آنچه به امور شهوانی مرتبط است، معنا شده است (معین، ۱۳۸۴: ج ۱: ۵۴۱).

قانون‌گذار ایرانی از مفهوم مزاحمت جنسی در هیچ‌یک از قوانین پیش و پس از انقلاب،

تعریف مفهومی بیان نکرده و تنها به توصیف مزاحمت و ذکر مجازات آن بسنده نموده است. نخستین مستند قانونی مزاحمت را می‌توان به ماده ۳ آیین‌نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۴ نسبت داد^۱ و در قوانین پس از انقلاب نیز قانون‌گذار این جرم را در ماده ۶۱۹ تعزیرات مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ آورده است.

در قانون برابری، مزاحمت جنسی به‌طور خاص در بندهای (۲)^۲ و (۳)^۳ تعریف شده است. مزاحمت جنسی شامل هرگونه رفتار ناخواسته با ماهیت جنسی است که هدف یا اثر آن نقض کرامت فرد یا ایجاد یک محیط ترسناک، خصمانه، تحقیرآمیز، توهین‌آمیز یا آزاردهنده برای او باشد.

برخی از حقوق‌دانان اشاره دارند که از مزاحمت جنسی - به دلیل پیچیدگی در سلوک و رفتارها - نمی‌توان تعریف جامعی به دست داد (کارستنسن،^۴ ۲۰۱۶م: ۲۷۰؛ داوسون و ولش،^۵ ۲۰۰۵م: ۷۰۹؛ سیمیان،^۶ ۲۰۰۵م: ۱۶). با وجود این یکی از تعاریف مفهوم مزاحمت جنسی را در اسناد فراملی در «کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی» می‌توان یافت که چنین مقرر می‌دارد: «همه اشکال رفتارهای با لفظ، بدون لفظ، فیزیکی که جنسی بوده و بدون توافق و خشنودی و با هدف نقض کرامت یک انسان انجام شده و یا چنین اثری دارد»

۱۹۰۱ - کسانی که دخترا - پسرها - زن‌ها را مصرأ تعقیب نمایند. این بند مستند قانونی جرم مزاحمت است و نه مزاحمت جنسی.

2. (2) A Also Harasses B if—
 - (a) A Engages in Unwanted Conduct of a Sexual Nature, and
 - (b) the Conduct Has the Purpose or Effect Referred to in Subsection (1) (b).
- (3) A also Harasses B if—
 - (a) A or Another Person Engages in Unwanted Conduct of a Sexual Nature or that is Related to Gender Reassignment or Sex,
 - (b) the Conduct Has the Purpose or Effect Referred to in Subsection (1) (b), and
 - (c) Because of B's Rejection of or Submission to the Conduct, A Treats B Less Favourably than A Would Treat B if B Had not Rejected or Submitted to the Conduct.
3. (3) A Also Harasses B if—
 - (a) A or Another Person Engages in Unwanted Conduct of a Sexual Nature or that is Related to Gender Reassignment or Sex,
 - (b) the Conduct Has the Purpose or Effect Referred to in Subsection (1) (b), and
 - (c) Because of B's Rejection of or Submission to the Conduct, A Treats B Less Favourably than A Would Treat B if B Had not Rejected or Submitted to the Conduct.
4. Carstensen.
5. Dawson & Welsh.
6. Simian.

(شورای اروپا،^۱ ۲۰۱۱م: ۱۱). اگرچه این تعریف بیانگر مفهوم مزاحمت جنسی است، نمی‌توان آن را تعریف جامع و حقوقی پنداشت. براین اساس با توجه به ماهیت این جرم می‌توان تعریف ذیل را پیشنهاد داد: «رفتار کلامی یا فعلی صادرشده از هر کسی در برابر شخص دیگر که سرشتی جنسی دارد و بدون رضایت او و در هر مکانی صورت پذیرد». این تعریف در بردارنده ماهیت جنسی چنین جرمی است که مرتکب آن از هر جنسیتی بدون رضایت بزه‌دیده (مرد یا زن) را شامل می‌شود و همچنین انواع رفتارهای گوناگون کلامی و فعلی همانند لمس کردن که برای ارضای غریزه جنسی انجام می‌پذیرد را نیز شامل می‌شود. جامعیت این تعریف شامل هر مکانی از جمله اماکن عمومی همچون، خیابان، محل کار، وسایل حمل و نقل و... و اماکن خصوصی همچون منزل یا داخل محیط خانواده یا خویشاوندان یا همکاران است.

موضوع دیگری که در این تعریف به آن اهمیت داده شده، توجه به دو معیار نارضایتی بزه‌دیده و هدف جنسی مرتکب از رفتار ارتكابی است. این دو معیار جزو سرشت و ماهیت این جرم قلمداد شده؛ از این رو قانون‌گذار در جرم‌انگاری مزاحمت جنسی باید به آن توجه داشته باشد (روسپندا^۲ و همکاران، ۱۹۹۸م: ۴۴؛ میشل^۳ و همکاران، ۲۰۰۴م: ۱۹۶).

۲. عنصر قانونی جرم مزاحمت جنسی

عنصر قانونی به معنای تعیین وصف مجرمانه به حکم قانون است؛ یعنی قانون‌گذار باید فعل یا ترک فعل را از پیش، جرم‌انگاری کرده و برای آن کیفری مقرر کرده باشد (اردبیلی، ۱۳۹۹: ج ۱: ۱۸۰). با این وصف، عنصر قانونی جرم مزاحمت، ماده ۶۱۹ تعزیرات به شمار می‌آید. قانون‌گذار جرم مزاحمت جنسی را در ماده مزبور، بدون ارائه تعریفی از مفهوم مزاحمت جنسی چنین آورده است: «هرکس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». نسبت عنوان عام مزاحمت و مزاحمت جنسی از جهت مفهوم و مصداق، عموم و خصوص مطلق است. مزاحمتی که در این ماده به آن اشاره شده، اعم از جنسی و غیرجنسی است و قانون‌گذار این مفهوم عام و کلی را مورد توجه قرار داده است.

قانون برابری ۲۰۱۰ مبنای قانونی جرم مزاحمت جنسی در انگلستان شناخته می‌شود. ماده ۲۶

1. Council of Europe.
2. Rospenda.
3. Mitchell.

این قانون به طور خاص به موضوع آزار و اذیت جنسی می پردازد و مصادیق آن را بیان می کند. افزون بر ماده ۲۶، مواد ۴۰، ۱۳ و ۱۴ این قانون نیز می توانند در برخی موارد به مزاحمت جنسی مربوط باشند.

ماده ۴۰ قانون برابری ۲۰۱۰ به طور خاص به موضوع آزار و اذیت در محیط کار می پردازد. این ماده بیان می کند کارفرما نباید کارمندان یا متقاضیان استخدام را آزار و اذیت کند. با توجه به اینکه «آزار و اذیت» در این ماده به طور کلی تعریف شده است، می توان گفت این ماده شامل آزار و اذیت جنسی نیز می شود؛ به بیان دیگر اگر کارفرما یا نماینده او در طول فرایند استخدام یا در طول دوره استخدام کارمند، رفتاری با ماهیت جنسی انجام دهد که به نقض کرامت فرد یا ایجاد یک محیط ترسناک، خصمانه، تحقیرآمیز، توهین آمیز یا آزاردهنده برای او منجر شود، با استناد به ماده ۴۰ قانون برابری می تواند مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. همچنین ماده ۴۰A قانون برابری ۲۰۱۰ به طور خاص به موضوع آزار و اذیت جنسی کارمندان می پردازد. این ماده بیان می کند کارفرما باید اقدامات معقولی برای جلوگیری از آزار و اذیت جنسی کارمندان خود در طول دوره استخدام آنها انجام دهد؛ بنابراین اگر کارمندی در طول دوره استخدام خود مورد آزار و اذیت جنسی قرار گیرد، می تواند با استناد به ماده ۴۰A قانون برابری، علیه کارفرمای خود اقامه دعوی کند.

ماده ۱۳ این قانون می تواند در مواردی به کار رود که فردی به دلیل جنسیت خود مورد آزار و اذیت جنسی قرار می گیرد؛ برای نمونه اگر زنی به دلیل جنسیت خود مورد آزار و اذیت جنسی قرار گیرد، می تواند با استناد به ماده ۱۳ ادعا کند که با او به طور نامطلوب تری نسبت به مردان رفتار شده است.

ماده ۱۴ این قانون در مواردی که فردی به دلیل ترکیبی از ویژگی های حفاظت شده مانند جنسیت و نژاد خود، مورد آزار و اذیت جنسی قرار می گیرد، قابل استناد است؛ برای نمونه اگر زنی سیاه پوست به دلیل جنسیت و نژاد خود مورد آزار و اذیت جنسی قرار گیرد، با استناد به ماده ۱۴ می تواند ادعا کند که با او به طور نامطلوب تری نسبت به افرادی که هیچ یک از این ویژگی ها را ندارند، رفتار شده است.^۱

۳. عنصر مادی جرم مزاحمت جنسی و اجزای تشکیل دهنده آن

تحقق خارجی، محسوس و عینی فعل یا ترک فعلی که در قانون به عنوان جرم، تعریف و برای آن

1. Equality Act 2010.

مجازات تعیین شده است، عنصر مادی نامیده می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۹: ج ۱: ۱۸۰)؛ از این رو صرف نیت مجرمانه فرد تا زمانی که جلوه خارجی پیدا نکند، جرم به شمار نمی‌رود و مجازات نمی‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۹: ۴). در بررسی عنصر مادی جرم و اجزای آن، همانند رفتار مجرمانه، وسیله مجرمانه، موضوع جرم، کنشگران جرم، نتیجه مجرمانه و رابطه سببیت بین فعل مرتکب و نتیجه آن مطالعه می‌شود.

۳-۱. ماهیت جرم مزاحمت جنسی در تعیین رفتار مجرمانه

در ماده ۶۱۹ تعزیرات در کنار واژه «مزاحمت» از «تعرض» نیز استفاده شده است. پرسش قابل طرح در شناخت این دو واژه و رابطه آن دو با یکدیگر این است که آیا رابطه معنایی بین این دو مفهوم، تباین است یا اینکه مشترک لفظی هستند و در صورت اشتراک لفظی، قانون‌گذار به چه دلیلی این دو مفهوم را در کنار یکدیگر آورده است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها نخست باید به سراغ معنای هر یک از مزاحمت و تعرض رفت. واژه مزاحمت همان‌طور که بیان شد، در لغت به معنای رنج دادن و زحمت دادن آمده و تعرض به معنای دست‌درازی کردن، جور و ظلم و ستم، حمله کردن، به امری یا کاری پرداختن و زیان و نقصان آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ج ۱: ۷۵۱؛ معین، ۱۳۸۴: ج ۱: ۴۶۳؛ عمید، ۱۳۷۹: ج ۱: ۵۸۷).

براین اساس یکی از معانی مزاحمت تعرض است. از نظر حقوق کیفری، تعرض به معنای مجموعه رفتارهایی است اعم از افعال و گفتار که موجب رنج و آزار روحی و هتک حیثیت شخص دیگر شود؛ ولی به مرحله ضرب و جرح نرسد و از زمره رفتارهای خشونت‌آمیز به شمار نیاید (ایمانی، ۱۳۸۶: ۱۵۱). نظریه مشورتی قوه قضائیه تعرض را این‌گونه بیان می‌دارد: «در برابر افراد ایستادن و آبروی آنها را در مرحله خطر قرار دادن است» (نظریه مشورتی شماره ۷۱۰۱۵۳ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۰ اداره حقوقی قوه قضائیه).

برخی از حقوق‌دانان نیز بدون اشاره به ارتباط معنایی دو مفهوم مزاحمت و تعرض، تعرض را اخص از مفهوم مزاحمت دانسته و به معنای مزاحمت بدنی و دست‌درازی جسمانی دانسته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۵۰۹). دسته دیگری معتقدند این دو واژه مشترک لفظی نیست و تعرض اقداماتی از قبیل چسباندن و لمس کردن بوده که شدیدتر از مزاحمت است؛ ولی مزاحمت اقدامی است که بدون مداخله رفتار فیزیکی بوده و صرفاً آزادی زنان و کودکان را در اماکن عمومی و معابر برهم می‌زند (آقای نی، ۱۳۸۶: ۵۲-۵۲؛ بیگی، ۱۳۹۴: ۲۵۹).

به نظر می‌رسد با توجه به مفهوم مزاحمت و تعرض و همچنین توجه به مصادیق هر یک از آنها می‌توان قائل شد که این دو مفهوم از نظر معنایی، نسبت تباین و اشتراک لفظی ندارد؛ بلکه رابطه آن دو عموم و خصوص مطلق است؛ بنابراین تعرض همان مزاحمت است؛ ولی به صورت جسمانی

که از انواع مشدده مزاحمت به شمار می‌آید. بنابراین هر تعرضی مزاحمت است؛ ولی هر مزاحمتی حتماً تعرض نیست.

برخی از حقوق‌دانان تعریف تعرض را صرفاً جنسی دانسته‌اند؛ یعنی تعرض دارای سرشتی جنسی در نظر گرفته شده است که بر خلاف رضایت مجنی علیه ارتکاب می‌یابد و براین اساس تعرض جنسی را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: دسته نخست تماس جسمانی است که در بردارنده رابطه فیزیکی با سرشتی جنسی است که قلمروی وسیعی دارد و مصادیق فراوانی از تجاوز به عنف تا بوسیدن را در بر می‌گیرد. دسته دوم بدون تماس جسمانی بوده که مصادیقی همچون متلک‌گویی، چشم‌چرانی و خرید و فروش انسان برای بهره‌کشی جنسی را شامل می‌شود (نوربهار، ۱۳۹۳: ۳۰-۳۶). بنا بر آنچه گفته شد، مزاحمت جنسی یکی از مصادیق و موارد تعرض جنسی به شمار می‌آید و در ضمن آن باید بررسی شود.

دیدگاه بیان‌شده را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا آنچه از به‌کار بردن واژه تعرض به ذهن متبادر می‌شود، مزاحمت جسمانی است و تبادل یکی از علائم تشخیص معنای حقیقی به شمار می‌آید؛ از این رو مزاحمت غیر جسمانی از گستره مفهومی این واژه بیرون است. بر اساس آنچه گفته شد، تقسیم‌بندی تعرض به دو دسته جسمانی و غیر جسمانی نیز بر مبنای پذیرفته‌شده، رد می‌شود و باید تعرض را صرفاً در مزاحمت‌های جسمانی دانست. دلیل دیگر بر رد مدعای مطرح‌شده، انصراف لفظی است. اذهان در برابر رفتارهای غیر جسمانی همچون متلک‌گویی و چشم‌چرانی، انصراف از معنای تعرض دارد و این موارد صرفاً در ذیل معنای مزاحمت جنسی قرار می‌گیرند. بنا بر آنچه گفته شد، رابطه مزاحمت جنسی با تعرض جنسی، عموم و خصوص مطلق است. بر همین مبنای می‌توان قائل شد که هدف قانون‌گذار از توأمان آوردن این دو مفهوم در کنار هم، چیزی جز تأکید نبوده است؛ بنابراین قانون‌گذار با واژه تعرض صرفاً به یکی از موارد و مصادیق شدیدتر مزاحمت جسمانی اشاره کرده است.

مسئله مهم مطرح‌شده در ماده ۶۱۹ تعزیرات این است که جرم مزاحمت، فعل مثبت است (کریمی، ۱۳۷۸: ۱۵۷). واژه مزاحمت همان‌طور که ذکر شد، در قلمرو مصادیق فعل مثبت قرار می‌گیرد؛ لذا تصور چنین جرمی به صورت ترک فعل محال است. بحث قابل طرح در این زمینه، تشخیص مادی یا معنوی بودن این جرم است. با توجه به عرفی بودن مفهوم مزاحمت جنسی، ملاک برای تحقق این جرم، وابسته به بیان کلمات و عبارات از مرتکب نسبت به بزه‌دیده نیست؛ بلکه در مواردی که لفظی در کار نبوده و صرفاً با تماس بدنی همراه باشد، عرف آن را مزاحمت جنسی قلمداد می‌کند. روشن است که با وجود «عبارات و کلمات مزاحمت‌آمیز جنسی» این جرم

به نحو ارتکاب فعل مثبت معنوی صورت پذیرفته شده است. براین اساس جرم مزاحمت جنسی با فعل مثبت مادی و معنوی مقتضای وقوع دارد. این نکته لازم به ذکر است که مزاحمت جنسی کلامی، غیر از جرایم مشابهی همچون توهین یا فحاشی است و آنچه در این مسئله مهم است، ماهیت عمل مرتکب بوده که سرشتی جنسی داشته باشد.

در حقوق انگلستان، مزاحمت جنسی یک جرم رفتاری^۱ شناخته می‌شود؛ به این معنا که تمرکز قانون بر خود رفتار مجرمانه است و نیازی به اثبات نتیجه خاصی مانند آسیب جسمی یا روانی، نیست (نامهاسر هنینگ،^۲ ۲۰۱۲م: ۲۸۰).

۲-۳. سنجۀ تشخیص رفتار مجرمانه در مزاحمت جنسی

پرسش از جرم عادت بودن یا نبودن مزاحمت جنسی و معیار تشخیص رفتار مجرمانه چنین جرمی از مسائل مهم قابل طرح در این بحث است. نخست آنکه آیا رفتار مرتکب به تکرار اجزای متشکله عنصر مادی وابسته است یا اینکه منوط به انجام یک مرتبه است؟ با واکاوی در ماده ۶۱۹ تعزیرات، چنین رهیافت می‌شود که ملاک تحقق جرم مزاحمت نزد قانون‌گذار، صرف «ایجاد مزاحمت» است و تعداد دفعات آن موضوعیتی ندارد. اگرچه لازم به ذکر است که تعداد دفعات رفتار مادی از این حیث اهمیت دارد که قاضی به عنوان عضوی از اجتماع و آگاه از عرف، مبتنی بر تعداد دفعات رفتار ارتكابی، با آسودگی بیشتری بر وقوع چنین جرمی حکم می‌کند.

پرسش مهم دیگری که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود، این است که با فرض اثبات سوءنیت بزهدکار، اگر قربانی چنین ادعایی را مطرح کند که مثلاً با انجام یک رفتار مزاحمت‌آمیز جنسی همچون یک بار چشمک زدن، آزرده‌خاطر شده و مزاحمت جنسی برای او ایجاد شده است، در اینجا تکلیف قاضی چیست؟ آیا در این فرض، قاضی می‌تواند به محکومیت مرتکب رأی صادر کند یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش باید به بحث و گفت‌وگو از قلمرو شخصی یا نوعی بودن معیار مزاحمت جنسی پرداخت. به دیگر سخن، مسئله اصلی روشن کردن شاخصه تشخیص مزاحمت جنسی است که آیا باید به واکنش نوع انسان‌ها درباره آن رفتار توجه کرد یا اینکه ویژگی‌ها و اوضاع و احوال شخصیت قربانی معیار است؟ به نظر می‌رسد می‌توان وجه جمعی از دو معیار یادشده ارائه نمود؛ به گونه‌ای که هر دو شاخصه شخصی و نوعی را برای قضاوت مورد توجه قرار داد؛ لذا برای تشخیص شاخصه نوعی به عرف مراجعه شده و برای تشخیص شاخصه شخصی،

1. Conduct Crime.
2. Numhauser-Henning.

خصوصیات و ویژگی‌های شخص معین در نظر گرفته شود.

براین اساس رفتاری که عرفاً مزاحمت جنسی به شمار آید؛ ولی موجب آزرده‌گی طرف مقابل نگردد یا اینکه صرفاً قربانی از آن رفتار آزرده شود؛ ولی عرف آن را مزاحمت جنسی تلقی نکند، جرم مزاحمت جنسی محقق نشده است. در رابطه با حالت اخیر می‌توان این نکته را طرح کرد که اگرچه رفتار بزه‌کار نوعاً موجب آزرده‌گی نشده؛ اما بزه‌دیده به سبب روحیه حساس و لطیف، خود را متحمل رنج و آزار روانی و مرتکب را سزاوار کیفر می‌داند. همان‌طور که بیان شد، معیار شخصی به‌تنهایی نمی‌تواند ملاک وقوع جرم مزاحمت جنسی باشد؛ چراکه «مزاحمت جنسی» یک مفهوم قانونی نیست و رفتارهای ایجادکننده مزاحمت جنسی از سوی قانون‌گذار تبیین نشده است؛ لذا برای برون‌رفت از این مشکل، معیار فهم عرفی نیز لازم و ضروری است. رد پای ضابطه‌ارائه‌شده (تقارن هردو شاخصه شخصی و نوعی برای تشخیص پیدایش یک مفهوم) را در جرایم دیگری همچون کلاه‌برداری می‌توان یافت. قاضی در جرم کلاه‌برداری برای ارزیابی تأثیر وسایل متقلبانانه از دو معیار شخصی و نوعی بهره می‌جوید و ویژگی‌ها و خصایص بزه‌دیده (فریب‌خورده) از جمله زیرکی، ساده‌لوحی، زودباوری، تجارب و... را برای سنجش اثربخشی وسایل متقلبانانه در او تحلیل و بررسی می‌کند. باید چنین ارزیابی‌ای به گونه‌ای باشد که نوع بزه‌دیده مورد توجه قرار گیرد (حبیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۶۷). به دیگر سخن در موارد گوناگون باید بررسی شود که چنین مانورهای متقلبانانه و عملیات فریبکارانه‌ای نوعاً اشخاصی را که از نظر ویژگی‌های شخصیتی با طرف جرم، همانندی دارند، می‌فریبد یا خیر؟

قانون برابری از «آزمون فرد معقول»^۱ برای تشخیص رفتار مجرمانه در مزاحمت جنسی استفاده می‌کند. بر اساس این آزمون و با توجه به بند (۴)^۲ قانون برابری ۲۰۱۰، اگر یک فرد معقول با توجه به شرایط و برداشت قربانی، رفتار ارتكابی را مزاحمت بداند، آن رفتار جرم تلقی می‌شود.^۳ در این بند به‌طور خاص به آزمون فرد معقول اشاره شده که برای تشخیص رفتار مجرمانه در قانون برابری استفاده می‌شود. به زبان ساده‌تر این قانون می‌گوید اگر یک فرد معمولی و عاقل با توجه به شرایط و

-
1. Reasonable Person Test.
 2. (4) In Deciding Whether Conduct Has the Effect Referred to in Subsection (1) (b), Each of the Following Must be Taken into Account—
 - (a) the Perception of B;
 - (b) the other Circumstances of the Case;
 - (c) Whether it is Reasonable for the Conduct to Have that Effect.
 3. Equality Act 2010.

با در نظر گرفتن دیدگاه قربانی، فکر کند که یک رفتار خاص آزار و اذیت جنسی شمرده می‌شود، آن رفتار جرم است.

سه نکته مهم در این قانون وجود دارد:

- دیدگاه قربانی: احساس قربانی در این باره مهم است. اگر قربانی احساس کند که مورد آزار و اذیت قرار گرفته، این موضوع در نظر گرفته می‌شود.
- شرایط وقوع رفتار: شرایطی که رفتار در آن اتفاق افتاده، درخور توجه است؛ برای نمونه رابطه بین دو نفر، مکان و زمان رفتار و... می‌تواند در تشخیص آزار و اذیت جنسی تأثیر داشته باشد.
- منطقی بودن: قانون می‌گوید باید دید آیا «منطقی» است که آن رفتار باعث آزار و اذیت شود یا نه (گیلانی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲م: ۱۰).

۳-۳. جایگاه مکان ارتکاب جرم مزاحمت جنسی

بر اساس منطوق ماده ۶۱۹ تعزیرات، چنین رهیافت می‌شود که قانون‌گذار تحقق جرم مزاحمت را تنها در معابر و اماکن عمومی قابل فرض دانسته است؛ بنابراین چنین جرمی را باید در زمره جرایم مقید به مکان به شمار آورد که یکی از شرایط اصلی تحقق آن، عمومی بودن مکان است (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۵۰۵؛ آقای نی، ۱۳۸۶: ۵۲). معیار عمومی بودن یک مکان، تردد آزاد یا حضور عموم مردم یا قشر خاصی است که جنبه خصوصی نداشته باشد و به دو دسته اماکن عمومی بالذات و بالعرض تقسیم می‌شود. دسته اول همچون هتل‌ها، دانشگاه‌ها، مساجد و دسته دوم همانند منزلی که به عنوان نمایشگاه استفاده شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۶۱۲). منظور از معابر نیز محل‌های رفت‌وآمدی همچون خیابان‌ها، کوچه‌ها و بازارهاست که دررو دارند یا به زمین‌های مباحه منتهی شوند (رامین راد، ۱۳۶۹: ۷۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۳۴۰۷).

اداره حقوقی قوه قضائیه در ضمن ماده ۶۱۹ چنین مقرر می‌دارد: «منظور از اماکن عمومی مذکور در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی و یا تبصره ۲ ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲، محل‌هایی است که معد برای ورود عموم است و مردم بدون نیاز به کسب اجازه، حق ورود دارند، مانند ادارات، اماکن مذهبی، مراکز خرید و پذیرایی؛ بنابراین اماکنی مانند پادگان نظامی یا ادارات دولتی خاص نظیر ادارات اطلاعات و زندان‌ها که مهیا برای ورود عموم نیست،

شامل اماکن عمومی نمی‌گردد» (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۵ مورخ ۹۳/۴/۱۷ اداره حقوقی قوه قضائیه). در این نظریه، قانون‌گذار به تبیین معیار عمومی بودن مکان اشاره دارد و آزاد بودن آمدوشد در یک محل را به عنوان یک شاخصه تشخیص اماکن عمومی ذکر می‌کند.

توجه به هدف و فلسفه مقید شدن جرم مزاحمت به اماکن عمومی در ماده ۶۱۹ تعزیرات از مسائلی است که می‌توان طرح و بررسی کرد؛ برای نمونه در یک مهمانی خانوادگی که تنها دسته خاصی همچون بستگان و نزدیکان اجازه ورود به آنجا را داشته باشند، اگر در این مهمانی، مزاحمت جنسی برای کودکان یا بانوان صورت بپذیرد، اگر مقصود قانون‌گذار از وضع این قانون، تنها حفظ نظم عمومی باشد، قطعاً چنین مهمانی‌ای وصف عمومیت ندارد و حکم چنین مواردی با خلأ قانونی روبه‌رو خواهد بود و اگر فلسفه وضع چنین ماده‌ای حمایت قانون‌گذار از کودکان و بانوان باشد، چنین اماکن خصوصی‌ای نیز تحت شمولیت ماده ۶۱۹ تعزیرات خواهد بود. بنابراین می‌توان قائل شد که جرم مزاحمت در اماکن خصوصی نیز جریان دارد؛ اگرچه پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با توجه به اهمیت جرم مزاحمت جنسی به‌طور خاص به وصف عمومی و خصوصی بودن جرم اشاره کند.

با توجه به مواد ۲۶، ۴۰، ۱۳ و ۱۴ قانون برابری ۲۰۱۰ می‌توان گفت جرم مزاحمت جنسی می‌تواند در هر مکانی که رفتار نامطلوب مرتبط با جنسیت رخ دهد، اتفاق بیفتد.

با توجه به این مواد می‌توان گفت جرم مزاحمت جنسی می‌تواند در مکان‌های ذیل اتفاق بیفتد:

- مؤسسات آموزشی: ماده ۱۳ خدمات آموزشی را یکی از مصادیق خدمات عمومی ذکر می‌کند؛ بنابراین آزار جنسی در مؤسسات آموزشی نیز می‌تواند مشمول این قانون باشد.
 - اماکن عمومی: ماده ۱۳ به‌طور کلی به خدمات و امکانات عمومی اشاره می‌کند که می‌تواند شامل اماکن عمومی مانند پارک‌ها، خیابان‌ها و وسایل نقلیه عمومی باشد.
 - اماکن خصوصی: ماده ۱۴ به‌طور خاص به تبعیض در اماکن خصوصی اشاره می‌کند؛ بنابراین آزار جنسی در اماکن خصوصی مانند خانه‌ها یا مهمانی‌های خصوصی نیز می‌تواند مشمول این قانون باشد.
 - محل کار: ماده ۴۰ به‌طور خاص به آزار و اذیت توسط اشخاص ثالث، از جمله مشتریان یا ارباب رجوع در محیط کار اشاره می‌کند (نامهاسر هنینگ، ۲۰۱۲م: ۲۶۸).
- به‌طور خلاصه می‌توان گفت جرم مزاحمت جنسی در قانون برابری ۲۰۱۰ به مکان خاصی محدود نیست و می‌تواند در هر مکانی که رفتار نامطلوب مرتبط با جنسیت رخ دهد، اتفاق بیفتد. این تحلیل حائز اهمیت است که با توجه به غلبه وقوع مزاحمت در اماکن عمومی، این جرم منوط به مکان عمومی شده است. برخی از کشورهای اروپایی نیز با توجه به شیوع و فراوانی وقوع

آن در اماکن عمومی، چنین جرمی را تحت عنوان مزاحمت خیابانی مطالعه کرده‌اند (هام و گمبل،^۱ ۲۰۰۳م: ۳۰۳). اگرچه میان جرم مزاحمت جنسی و مزاحمت خیابانی از حیث ماهیت و سرشت جنسی، اشتراک وجود دارد، تفاوت اساسی آنها در این است که مزاحمت خیابانی بر خلاف مزاحمت جنسی، جرمی مقید به مکان عمومی است و حتماً در ملاءعام صورت می‌پذیرد (آقاجانی، ۱۳۸۳: ۱۶۱-۱۶۲). براین اساس اگرچه مزاحمت جنسی در اماکن عمومی، امکان وقوع دارد، تمرکز جرم‌انگاری کشورهای اروپایی بیشتر بر روی فضاهای خصوصی است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

۳-۴. شناسایی آماج جرم مزاحمت جنسی

در قوانین جزایی غالباً جرم بر یکی از موارد سه‌گانه اموال، اشخاص و اعتبار و آبروی اشخاص واقع می‌شود که آن را «موضوع جرم» می‌نامند. با توجه به اینکه قانون‌گذار جرم مزاحمت جنسی را در کتاب پنجم در فصل هفدهم در جرایم علیه اشخاص و اطفال آورده است، موضوع جرم مورد بحث را باید با جرایم علیه اشخاص مربوط دانست (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۴۱۷؛ آقایی‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۳۹)؛ اما با نگاهی به ماهیت این جرم و آسیب رساندن آن بر روح و روان بزه‌دیده، باید آن را از جمله جرایم علیه شخصیت معنوی افراد به شمار آورد. به دیگر سخن اگرچه این جرم بر اشخاص واقع می‌شود، درحقیقت آن را نباید جنایت نامید؛ چراکه این جرم لزوماً به تمایل جسمانی اشخاص آسیب وارد نکرده؛ بلکه اساساً حیثیت، آسایش و دیگر ارزش‌های مشابه را هدف قرار می‌دهد.

با توجه به بند (۵)^۲ قانون برابری ۲۰۱۰، آماج جرم مزاحمت جنسی می‌تواند هر شخصی باشد؛ بدون توجه به ویژگی‌های حفاظت‌شده مانند سن، معلولیت، تغییر جنسیت، نژاد، مذهب یا عقیده، جنسیت و گرایش جنسی.^۳ به بیان دیگر قانون برابری به صراحت اعلام می‌کند هیچ‌کس

-
1. Ham & Gamble.
 2. (S) The Relevant Protected Characteristics are—
Age;
Disability;
Gender Reassignment;
Race;
Teligion or Belief;
Sex;
Sexual Orientation.
 3. Equality Act 2010.

نباید به دلیل هیچ‌یک از ویژگی‌های فوق، مورد آزار و اذیت جنسی قرار گیرد. این ویژگی‌ها شامل سن، معلولیت، تغییر جنسیت، نژاد، مذهب یا عقیده، جنسیت و گرایش جنسی می‌شود (نام‌هاسر هنینگ، ۲۰۱۲م، ص ۲۸۰).

این بند از قانون نشان‌دهنده اهمیت برابری و نبود تبعیض در جامعه است و به افراد این اطمینان را می‌دهد که در صورت مواجهه با آزار و اذیت جنسی می‌توانند از قانون کمک بگیرند و از حقوق خود دفاع کنند.

۳-۵. بررسی کنشگران جرم مزاحمت جنسی

برخی از جرایم به گونه‌ای است که آن جرم از سوی هرکس و علیه هرکس می‌تواند تحقق یابد؛ ولی لازمه تحقق برخی از جرایم، وجود ویژگی‌ها و شرایط خاصی در کنشگران جرم است. در ماده ۶۱۹ تعزیرات، واژه «هرکس» درباره بزهدار به صراحت ویژگی خاصی را در شخصیت مرتکب لازم ندانسته است و از آنجا که اشخاص حقوقی به سبب جایگاه اعتباری خود، توانایی انجام عنصر مادی این جرم را ندارند، در اشخاص حقیقی ظهور دارد. همچنین شرط جایگاه خاص اجتماعی، جنسی، شغلی، نژادی و... رهیافت نمی‌شود.

ماده ۶۱۹ تعزیرات از نظر بزهدار عمومیت دارد؛ ولی از نظر بزهدیده، تنها شامل زنان و کودکان است و بزهدیده ذکور بزرگسال را شامل نمی‌شود؛ بنابراین ارتکاب جرم مزاحمت جنسی درباره بزهدیده ذکور بزرگسال از شمولیت این ماده خارج است. البته این احتمال وجود دارد که آن را در ضمن عنوان توهین ساده مندرج در ماده ۶۰۸ به حساب آورد؛ ولی این احتمال صحیح نیست و قانون‌گذار در چنین جرمی سکوت کرده است (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ۱۳). بنابراین پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار به این مسئله توجه کند و بزهدیده ذکور بزرگسال را نیز مورد حمایت کیفری قرار دهد.

با توجه به بند (۵) قانون برابری ۲۰۱۰، کنشگر جرم مزاحمت جنسی می‌تواند هر شخصی باشد. هیچ محدودیتی از نظر ویژگی‌های حفاظت‌شده مانند سن، معلولیت، تغییر جنسیت، نژاد، مذهب یا عقیده، جنسیت و گرایش جنسی وجود ندارد.

۳-۶. وسیله و نوع فعل مجرمانه در مزاحمت جنسی

قانون‌گذار در ماده ۶۱۹ تعزیرات، سخنی از ابزار جرم به میان نیاورده و وسیله ارتکاب رفتار مجرمانه را دارای موضوعیت ندانسته و ابزار مجرمانه فاقد هرگونه اثری در سرانجام جرم و میزان مجازات در نظر گرفته شده است؛ از این رو در جرم مزاحمت جنسی، وسیله مجرمانه شرط نیست؛ ولی با توجه به گوناگونی انواع فعل مرتکب و اشاره نکردن قانون‌گذار به آن، سزاوار است انواع فعل مرتکب ارزیابی شود.

قانون برابری به طور خاص وسیله یا نوع فعل مجرمانه در مزاحمت جنسی را محدود نکرده است؛ بنابراین این جرم می تواند از طریق هر وسیله یا فعلی که به آزار و اذیت جنسی منجر شود، انجام شود.

در بند (۱) قانون برابری ۲۰۱۰ آمده است: «شخصی (الف) شخص دیگری (ب) را آزار می دهد. اگر (الف) در رفتاری ناخواسته مرتبط با یک ویژگی حفاظت شده مرتبط شرکت کند و (ب) آن رفتار هدف یا اثر زیر را داشته باشد: (۱) نقض کرامت (ب) یا (۲) ایجاد یک محیط ترسناک، خصمانه، تحقیرآمیز، توهین آمیز یا آزاردهنده برای (ب)».

با توجه به این بند می توان گفت هرگونه رفتاری که به نقض کرامت فرد یا ایجاد یک محیط ترسناک، خصمانه، تحقیرآمیز، توهین آمیز یا آزاردهنده برای او منجر شود، می تواند مزاحمت جنسی قلمداد شود. این رفتارها می تواند شامل موارد ذیل باشد:

- گفتار: مانند متلک، شوخی های جنسی، توهین های جنسی و درخواست های جنسی نامناسب؛
- نوشتار: مانند نامه، ایمیل، پیامک و یادداشت های دربردارنده مطالب جنسی نامناسب؛
- رفتار: مانند تماس فیزیکی نامناسب، نگاه های خیره و حرکات یا اشارات جنسی نامناسب؛
- نمایش تصاویر: مانند تصاویر، فیلم ها یا مطالب مستهجن (گیلانی و همکاران، ۲۰۱۲م، ص ۵).

همچنین با توجه به بند (۲) و (۳) قانون برابری، هرگونه رفتار ناخواسته با ماهیت جنسی یا مرتبط با تغییر جنسیت یا جنسیت که هدف یا اثر آن نقض کرامت فرد یا ایجاد یک محیط نامناسب برای او باشد، می تواند مزاحمت جنسی شمرده شود. بنابراین می توان گفت قانون برابری طیف وسیعی از رفتارها را مزاحمت جنسی در نظر می گیرد و هیچ محدودیتی در مورد وسیله یا نوع فعل مجرمانه در این جرم وجود ندارد.

-
1. (۱) A Person (A) Harasses Another (B) if—
 (a) A Engages in Unwanted Conduct Related to a Relevant Protected Characteristic, and
 (b) the Conduct Has the Purpose or Effect of—
 (i) Violating B's Dignity, or
 (ii) Creating an Intimidating, Hostile, Degrading, Humiliating or Offensive Environment for B.

با بررسی پیشینه جرم‌انگاری مزاحمت جنسی در نظام‌های قانون‌گذاری دیگر که در این امر پیش‌گام بوده‌اند، می‌توان تعداد زیادی از تلاش‌ها را برای دسته‌بندی انواع مزاحمت جنسی شناسایی کرد. این نکته حائز اهمیت است که با توجه به زمینه‌های گوناگون اجتماعی و ساختارهای فرهنگی حاکم بر هر کشوری، رفتارهای مزاحمت‌آمیز جنسی به شکل‌های مختلف تجسم می‌یابد؛ ولی با وجود این می‌توان انواع افعال ارتكابی را دسته‌بندی کرد.

برخی نوع رفتار مجرمانه مرتکب را تنها منحصر در لمس بدنی دانسته (میشل و همکاران، ۲۰۰۴م: ۱۹۶) و برخی آن را به دو دسته قولی و فعلی تقسیم‌بندی کرده‌اند (سیور،^۱ ۱۹۹۶م: ۱۸۹). نخستین دسته آزار و اذیت قولی (کلامی): شامل الفاظ و عباراتی است که دارای مفاهیم جنسی، صریح یا کنایه‌ای است. این الفاظ ممکن است به‌طور مستقیم یا از وسایلی همچون تلفن همراه یا هر وسیله ارتباطی دیگر صادر شود. این نحوه مزاحمت جنسی کلامی شکل‌های گوناگونی دارد؛ از جمله وصف اندام جنسی، سوت زدن یا ممکن است در قالب حرف‌های زشت قرار گیرد.

دسته دوم آزار و اذیت فعلی: رفتار و فعلی است که دارای دلالت‌های صریح یا کنایه‌ای جنسی است و تفاوتی ندارد که این عمل درباره جسم مرتکب یا شخصیت بزه‌دیده انجام گیرد. این نحوه آزار فعلی شکل‌های گوناگونی دارد؛ از جمله چشم‌چرانی، چشمک زدن، لمس کردن، بغل کردن و ارسال تصاویری جنسی. ممکن است مزاحمت جنسی فعلی در مراحل پیشرفته‌تر به حمله فیزیکی نیز منجر شود (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ۱۳).

در دسته‌بندی دیگر، مزاحمت جنسی به سه دسته لفظی، غیرلفظی و جسمانی تقسیم می‌شود (ماریک،^۲ ۱۹۹۱م: ۸۵). در دسته لفظی، این نحوه مزاحمت در شکل‌هایی چون الفاظ و عبارات جنسی، متلک‌پرانی، شوخی‌های جنسی و در دسته غیرلفظی در شکل‌هایی همانند نگاه‌های ممتد شهوانی، چشم‌چرانی، پیام‌های جنسی از طریق فضای مجازی و... و در دسته جسمانی مواردی همچون استمنای علنی، عورت‌نمایی، لمس و نوازش بدن، انگولک کردن و در آغوش گرفتن بروز پیدا می‌کند (صادقی فسایی و رجب لاریجانی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). به نظر می‌رسد دسته‌بندی دوگانه کلامی و فعلی همه موارد و رفتارها را شامل شود و نیازی به دسته‌بندی سه‌گانه نباشد.

سؤال قابل‌توجه دیگر در این بحث این است که اگر فردی مجموعه‌ای از رفتارهای مزاحمت‌آمیز جنسی را انجام دهد و مثلاً اقدام به شوخی جنسی، چشم‌چرانی و لمس بدنی کند، آیا بزه‌کار مرتکب

1. Sev'er.

2. Maurice.

چند جرم شده است یا اینکه تنها یک جرم محقق شده و یک مجازات دارد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت اگر مجموعه اعمال ارتكابی بزهکار از نگاه عرف، مزاحمت جنسی قلمداد شود، روشن است که فقط یک جرم محقق شده است و مرتکب سزاوار مجازات مندرج در ماده ۶۱۹ تعزیرات است؛ ولی اگر هر یک از آن رفتارها به تنهایی مزاحمت جنسی شمرده شود، با توجه به مطالعه تبصره یک ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، چنین دریافت می‌شود که در این گونه جرایم ارتكابی که مختلف نیست، تنها یک مجازات تعیین می‌شود؛ ولی تعدد جرم از موارد تشدید مجازات به شمار می‌آید.

۳-۷. حصول نتیجه مجرمانه در مزاحمت جنسی

به روشنی از ماده ۶۱۹ تعزیرات رهیافت می‌شود که موضوع جرم مزاحمت جنسی وابسته به حاصل شدن نتیجه مجرمانه از سوی مرتکب است؛ بنابراین جرمی مقید به نتیجه است (افراسیابی، ۱۳۷۶: ج ۱: ۳۵۴؛ علی‌آبادی، ۱۳۷۳: ۹۲؛ محسنی، ۱۳۷۵: ج ۲: ۳۸۵). اگرچه در ماده یادشده به رفتارهای ایجادکننده مزاحمت جنسی اشاره‌ای نشده است، با وجود این باید جرم مزبور را همچنان جرمی مقید به شمار آورد.

باید میان ایجاد مزاحمت جنسی و تلاش برای ایجاد آن، تفاوت قائل بود. کیفیت ایجاد مزاحمت جنسی حسب رفتارهای مرتکب، گوناگون است؛ ولی زمان وقوع جرم تام مزاحمت جنسی هنگامی است که نتیجه آن پدیدار می‌شود؛ از این رو می‌توان این پرسش را طرح کرد که مثلاً اگر کسی در جای شلوغی مشغول لمس کردن اندام شخص دیگر باشد، آیا لحظه وقوع جرم زمانی است که مرتکب لمس می‌کند یا لحظه‌ای است که قربانی متوجه آن رفتار می‌شود؟ در این فرض، زمان وقوع جرم را باید لحظه‌ای دانست که بزه‌دیده متوجه رفتار ارتكابی شود. اگرچه از سوی بزهکار، رکن مادی به مرحله اجرا درآمده است؛ ولی نمی‌توان جرم را تمام‌شده به شمار آورد؛ بلکه باید تا حصول نتیجه، جرم را در مرحله شروع فرض کرد. برای اینکه عملیات جرم مزاحمت جنسی، همانند جرایم دیگر علیه اشخاص متشکل از بزهکار و بزه‌دیده بوده که هردوی آنها باید در تحقق جرم، نقش خود را به‌تمامی ایفا کنند؛ بنابراین ضروری است که اقدامات بزهکار متوجه شخص بزه‌دیده باشد و تمامیت جسمی و روحی بزه‌دیده نیز مورد خدشه قرار گیرد و در این صورت است که جرم تام منعقد می‌شود. این فرض را می‌توان با موردی مقایسه کرد که فردی با قصد قتل، دیگری را زخمی کند و کسی که جنایتی علیه او واقع شده است، نمی‌تواند علیه جانی، اتهام قتل عمدی را مطرح کند؛ اگرچه جانی تمام توان خود را برای به قتل رساندن مجنی علیه انجام داده و نقش خود را به‌طور کامل اجرا کرده است.

اگر در نگاه قانون‌گذار جرم مزاحمت جنسی مطلق می‌بود، باید در ماده ۶۱۹ چنین مقرر

می داشت که «هرکس در اماکن عمومی ... "قصد" مزاحمت اطفال یا زنان را داشته باشد...». لذا هنگامی که چنین قیدی (قصد) را نیاورده است، همان معنای ایجاد جرم و حصول نتیجه مدنظر قانون گذار بوده است.

بر اساس مبنای پذیرفته شده، اگر شخصی یکی از رفتارهای مزاحمت آمیز جنسی را همانند چشم چرانی یا لمس کردن یا هرگونه رفتار دیگری انجام دهد و قربانی به هر دلیلی متوجه موضوع نشود، پرسش قابل طرح این است که بزه دیده پس از اطلاع از این موضوع می تواند علیه مرتکب به اتهام ایجاد مزاحمت جنسی، طرح شکایت کند یا خیر؟ در پاسخ باید گفت نقش بزه دیده در این جرم به طور کامل ایفا نشده است و برای او مزاحمت جنسی پدید نیامده تا به استناد آن علیه مرتکب، شکایت نامه تنظیم کند و طرح دعوی نماید. به دیگر سخن اقدام مرتکب باید موجب حصول ایجاد مزاحمت به معنای عرفی در بزه دیده شود که این امر هنگامی است که بزه دیده التفات داشته باشد و موجب آسیب رساندن به روح و روان بزه دیده شود. این مورد تنها در صورتی است که قربانی با حواس خود متوجه رفتارهای جنسی مزاحمت آمیز می شود. این نکته شایان ذکر است که اقدامات بزه کار را در این فرض می توان نوعی شروع به جرم پنداشت؛ ولی قانون گذار آن را جرم انگاری نکرده و برای آن مجازاتی تعیین نکرده است؛ بنابراین بر اساس مقید به نتیجه بودن جرم مزاحمت جنسی، سرانجام این جرم هنگامی است که پس از اجرای عنصر مادی، رابطه سببیت بین فعل مرتکب و نتیجه حاصله که ایجاد مزاحمت جنسی است، برقرار شود.

مزاحمت جنسی در قانون برابری ۲۰۱۰ یک جرم رفتاری است؛ بنابراین برای اثبات آن نیازی به حصول نتیجه خاصی مانند آسیب جسمی یا روانی نیست. صرف ارتکاب رفتار مجرمانه برای تحقق جرم کافی است (نامهاسر هنینگ، ۲۰۱۲م: ۲۸۰).

۴. عنصر معنوی جرم مزاحمت جنسی

دو عنصر قانونی و مادی به تنهایی برای تحقق جرم کافی نیست؛ بلکه تحقق جرم به وجود عنصر معنوی وابسته است؛ بنابراین در مواردی که رفتار مجرمانه ای بدون قصد صورت پذیرد، قانون گذار برای چنین شخصی، مسئولیت کیفری قائل نیست و مجازات نمی شود (کلارکسون، ۱۳۷۴: ۲۷؛ صانعی، ۱۳۸۲: ۳۶۹). عنصر معنوی در مزاحمت جنسی به معنای خواست قطعی مجرم در عملی کردن رفتارهای مزاحمت آمیز جنسی است تا به هدف مورد نظر خود که دارای سرشتی جنسی است، دست یابد. در این رفتار مجرمانه، مرتکب علم دارد که چنین اعمالی از سوی قانون، جرم شمرده می شود؛ بنابراین مزاحمت جنسی جرم عمدی است که مشتمل بر قصد عام (مشکل از دو رکن علم و اراده جانی) و قصد خاص (ارتکاب جرم با نیت و هدف مشخص) است. براین اساس

در رابطه با جرم مزاحمت جنسی به دو مورد عنصر معنوی که عبارت‌اند از سوءنیت عام و سوءنیت خاص پرداخته می‌شود.

۴-۱. تصویر سوءنیت عام

در حقوق کیفری ایران، اصل اولیه در جرایم، عمدی بودن است؛ مگر اینکه قانون‌گذار مصادیقی را بر اساس مصالح عمومی مستثنا کرده باشد (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۹۳). لذا جرم مزاحمت جنسی از جمله جرایم عمدی به شمار می‌آید. سوءنیت عام یا قصد ارتکاب رفتار مجرمانه به معنای تمایل و خواست قطعی و منجر به انجام یا ترک عملی است که مورد نهی قانون‌گذار است (نوربها، ۱۳۸۱: ۱۹۷). به دیگر سخن سوءنیت عام شناخت فاعل به غیرقانونی بودن عمل ارتكابی و خواست او برای انجام آن است. براین اساس قصد و تعلق اراده فاعل بر ایجاد رفتارهای مزاحمت‌آمیز جنسی، سوءنیت عام شمرده می‌شود. براین اساس عمل بزهکار نباید ناشی از اراده و اختیار نداشتن او باشد و در حالت‌هایی همچون بیهوشی، خواب و مستی اتفاق بیفتد. افزون بر خواست قطعی مرتکب بر انجام فعل، علم و آگاهی او به رفتار انجام‌شده نیز لازم است؛ بنابراین اگر به موجب اسبابی همچون گوناگونی فرهنگ‌ها، زبان‌ها و... به برخی رفتارهای مزاحمت‌آمیز جنسی، ناآگاه باشد، از قلمرو ماده یادشده بیرون خواهد بود.

در حقوق انگلستان نیز برای اثبات جرم مزاحمت جنسی باید سوءنیت عام^۱ کنشگر اثبات شود؛ به این معنا که کنشگر باید آگاه باشد که رفتار او می‌تواند مزاحمت جنسی قلمداد شود (گیلانی و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۱). با توجه به بندهای ۱ تا ۳ قانون برابری می‌توان گفت برای تحقق جرم مزاحمت جنسی، کنشگر باید آگاه باشد که رفتار او می‌تواند مزاحمت جنسی شمرده شود و قصد یا آگاهی او برای نقض کرامت فرد یا ایجاد یک محیط نامناسب برای او وجود داشته باشد.

۴-۲. تحقق سوءنیت خاص

قانون‌گذار در برخی جرایم، تنها سوءنیت عام را برای تحقق جرم کافی ندانسته و خواست مشخص مرتکب در تحقق جرم را لازم دانسته است. در این صورت نیت مجرم و هدف او مورد توجه قانون‌گذار است و جرم مشروط به آن محقق می‌شود.

در رابطه با وجود سوءنیت خاص در جرم مزاحمت جنسی، دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است. برخی قائل‌اند سوءنیت خاص لازم نیست و با وجود عنصر مادی، این جرم محقق می‌شود

1. General Intent.

(پاد، ۱۳۸۵: ۳۰۷؛ رامین راد، ۱۳۶۹: ۶۶-۷۷؛ ولیدی، ۱۳۹۱: ۲۹۴-۲۹۵)؛ یعنی در مزاحمت جنسی، اصل اولیه آن است که قصد مزاحمت جنسی وجود دارد؛ مگر اینکه متهم خلاف آن را اثبات کند و برای دفاع از خود، ادله و قراینی را بر نداشتن سوءنیت خاص ارائه کند تا مسئولیت کیفری از او برداشته شود. برخی دیگر از حقوق دانان بر خلاف دیدگاه اول، وجود سوءنیت خاص را لازم و ضروری می‌دانند (پاد، ۱۳۸۵: ۳۰۷)؛ بنابراین بر مقام تعقیب، لازم است همانند دیگر اجزای ارکان تشکیل دهنده جرم، چنین قصدی را اثبات کند. از دلیل نظریه مزبور می‌توان چنین استظهار کرد که این نظریه مطابق با اصل لزوم تفسیر به نفع متهم در نبودن نص قانونی است؛ لذا براین اساس نمی‌توان سوءنیت خاص را در این جرم، مفروض دانست. همچنین با استناد به ذیل ماده ۱۴۴ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲^۱ مبتنی بر اینکه افزون بر آگاهی مرتکب و رفتار عامدانه او، قصد نتیجه و آگاهی به آن نیز از شرایط تحقق جرم شمرده می‌شود، دیدگاه اخیر را پذیرفتنی می‌نماید.

بنابراین در صورتی که سوءنیت خاص احراز نشود، بر اساس ماده ۶۱۹ تعزیرات نمی‌توان علیه مرتکب، حکم کیفری صادر کرد و او را مجازات نمود؛ لذا اگر شخصی در جای شلوغی بدون قصد، بدن فرد دیگری را لمس کند یا نگاهی خیره به کسی داشته باشد، اگرچه به‌طور عملی سبب مزاحمت جنسی برای شخص دیگری شده است؛ ولی نمی‌توان برای او محکومیت کیفری صادر کرد؛ چراکه در این صورت سوءنیت خاص که برای تحقق جرم ضروری است، مفقود است. بنابراین پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ایرانی به‌طور صریح در رابطه با جرم بودن مزاحمت جنسی، سوءنیت خاص را که عبارت است از «قصد ایجاد مزاحمت برای کسب منفعت جنسی» بپذیرد.

اثبات و پی بردن به سوءنیت خاص با مطالعه عناصر حادثه اثبات می‌شود و این امر منوط به تشخیص قاضی پرونده است. باین‌حال در برخی موارد، اثبات سوءنیت خاص که با شناسایی رابطه سببیت بین رفتار مجرم و هدف مورد نظر او که کسب تمایلات جنسی بوده، دشوار است؛ زیرا رفتارهای مرتکب معمولاً اقداماتی است که آثار خارجی ندارد تا برای اثبات مجرمیت بتوان به آن استناد کرد؛ برای نمونه در رفتارهای کلامی مزاحمت‌آمیز جنسی، بزهدکار غالباً تعابیر دوگانه و عبارات و جملاتی را که بیش از یک معنا دارد و قابلیت تفسیر جنسی از آن نیز می‌شود، به کار می‌گیرد. مسئله دیگر در تحقق جرم مزاحمت جنسی این است که آگاهی مجرم از هویت بزه‌دیده

۱. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «در تحقق جرایم عمدی، علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود».

شرط تحقق جرم مزاحمت جنسی نیست (آقایی نیا، ۱۳۸۶: ۲۴۲). لذا اگر مرتکب قصد ایجاد مزاحمت جنسی را برای شخص معینی داشته باشد؛ اما به اشتباه برای فرد دیگری مزاحمت جنسی اتفاق بیفتد، در صورت تام بودن شرایط دیگر جرم مزاحمت جنسی، این جرم محقق می‌شود و بزهکار را می‌توان مورد تعقیب کیفری قرار داد.

در برخی موارد، سوءنیت خاص^۱ نیز برای اثبات جرم مزاحمت جنسی لازم است؛ برای نمونه اگر هدف کنشگر از ارتکاب مزاحمت جنسی، وادار کردن قربانی به انجام عمل جنسی باشد، باید این سوءنیت خاص نیز اثبات شود (گیلانی و همکاران، ۲۰۱۲م: ۱۱). با توجه به بند ۳ قانون برابری ۲۰۱۰ می‌توان گفت در مواردی که هدف کنشگر از انجام مزاحمت جنسی، وادار کردن قربانی به انجام عمل جنسی یا اعمال فشار بر او باشد، سوءنیت خاص او باید اثبات شود؛ به سخن دیگر در این موارد، صرف آگاهی کنشگر از اینکه رفتار او می‌تواند مزاحمت جنسی شمرده شود، کافی نیست و باید قصد و هدف خاص او از انجام این رفتار نیز اثبات شود.

نتیجه‌گیری

با ارزیابی ماده ۶۱۹ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و بررسی رویکرد نظام کیفری ایران در مواجهه با جرم مزاحمت جنسی، آشکار شد که ماده ۶۱۹ تعزیرات در برابر برخی رفتارهای ایجادکننده مزاحمت جنسی، عام است که موجب نادیده انگاشتن دیگر رفتارهای ایجادکننده مزاحمت جنسی می‌شود و در برخی از موارد در سرنوشت مجازات مؤثر است؛ بنابراین مناسب است برای مقابله کیفری مؤثر و حمایت از شخصیت معنوی بزه‌دیدگان، قانون‌گذار بر چنین جرمی تمرکز کند و آن را نه مندرج تحت عنوان عام مزاحمت، بلکه به‌طور مستقل بپذیرد. براین اساس ارکان سه‌گانه جرم مزاحمت جنسی با توجه به ماده ۶۱۹ تعزیرات، تحلیل و ارزیابی شد و مواردی نیز که قانون‌گذار درباره آن سکوت کرده است، بررسی شد:

۱. مزاحمت جنسی با تعرض جنسی به دلیل تبادر معنایی و انصراف ذهنی، رابطه عموم و خصوص مطلق دارد و تعرض جنسی صرفاً دربردارنده رفتاری‌های فیزیکی است. بر همین مبنا می‌توان قائل شد که هدف قانون‌گذار از توأمان آوردن این دو واژه در کنار یکدیگر، چیزی جز تأکید نبوده است. این جرم با فعل مثبت مادی و معنوی مقتضای وقوع داشته و قانون‌گذار وسیله‌ای را برای ارتکاب جرم مدنظر قرار نداده است.
۲. ملاک در تحقق چنین جرمی، صرف «ایجاد مزاحمت جنسی» است و تعداد دفعات آن در

- تحقیق این وصف، موضوعیتی ندارد و ضابطه تشخیص رفتارهای ایجادکننده مزاحمت جنسی، تقارن دو معیار شخصی و نوعی با هم است.
۳. هدف و فلسفه وضع ماده ۶۱۹ تعزیرات از مقید شدن جرم به وصف عمومیت، حمایت از بانوان و کودکان است؛ از این رو می توان قائل شد که جرم مزاحمت جنسی در اماکن خصوصی نیز جریان دارد. اگرچه پیشنهاد می شود قانون گذار با توجه به اهمیت جرم مزاحمت جنسی به وصف عمومی و خصوصی بودن این جرم اشاره کند.
۴. با نگاهی به ماهیت این جرم و آسیب رساندن آن بر روح و روان بزه دیده، آن را باید از جمله جرایم علیه شخصیت معنوی افراد به شمار آورد.
۵. این جرم در اشخاص حقیقی ظهور دارد و اگرچه ماده ۶۱۹ تعزیرات از نظر بزه کار عمومیت دارد، از نظر بزه دیده شامل زنان و کودکان است؛ بنابراین ارتکاب جرم مزاحمت در برابر بزه دیده ذکور بزرگسال از شمولیت این ماده خارج است.
۶. قانون گذار وسیله ارتکاب رفتار مجرمانه را از سوی مرتکب، دارای موضوعیت ندانسته است. بر خلاف دیدگاه برخی از حقوق دانان، رفتارهای مزاحمت آمیز جنسی صرفاً جسمانی نیست؛ بلکه به دو صورت قولی و فعلی صورت می پذیرد.
۷. از ماده ۶۱۹ تعزیرات رهیافت می شود که موضوع جرم در این ماده وابسته به حصول نتیجه مجرمانه (ایجاد مزاحمت جنسی) از سوی مرتکب است؛ بنابراین جرمی مقید به نتیجه است.
۸. مزاحمت جنسی جرم عمدی است که مشتمل بر سوءنیت عام (متشکل از دورکن علم و اراده قطعی مرتکب) و سوءنیت خاص (قصد ایجاد مزاحمت برای کسب منفعت جنسی) است. بر خلاف نظریه برخی از حقوق دانان، سوءنیت خاص در جرم مزاحمت جنسی مفروض نیست؛ بلکه همانند سایر اجزای ارکان تشکیل دهنده جرم، لازم است چنین قصدی اثبات شود. این نظریه مبتنی بر لزوم تفسیر قانون به نفع متهم و توجه به قسمت پایانی ماده ۱۴۴ ق. م. ا. پذیرفتنی است. اگرچه پیشنهاد می شود قانون گذار به صراحت سوءنیت خاص را در جرم یادشده که «قصد ایجاد مزاحمت برای کسب منفعت جنسی» است، بپذیرد. آگاهی به هویت قربانی همانند اغلب جرایم تعزیری، شرط نیست.
۹. قانون برابری ۲۰۱۰ انگلستان، محدودیت مکان ارتکاب جرم مزاحمت جنسی را حذف می کند و این جرم را در هر مکانی، از جمله اماکن عمومی، محل کار و فضای مجازی، قابل پیگیری می داند. همچنین این قانون هر شخصی را بدون توجه به جنسیت، گرایش جنسی یا سن، به عنوان قربانی جرم مزاحمت جنسی به رسمیت می شناسد و هر شخصی را بدون توجه به

جنسیت، گرایش جنسی یا رابطه با قربانی، به عنوان مرتکب جرم مزاحمت جنسی در نظر می‌گیرد. موارد ذیل از این قانون شناسایی شد که می‌تواند به ارتقا و بهبود قانون‌گذاری در ایران در زمینه جرم مزاحمت جنسی کمک کند:

- ماده ۲۶ قانون برابری: این ماده تعریف جامع و مانعی از مزاحمت جنسی به دست می‌دهد که شامل انواع رفتارها و مصادیق این جرم می‌شود.
- مواد ۴۰، ۱۳ و ۱۴ قانون برابری: این مواد دامنه جرم مزاحمت جنسی را گسترش می‌دهند و آن را شامل هرگونه رفتار ناخواسته با ماهیت جنسی می‌دانند که هدف یا اثر آن نقض کرامت فرد یا ایجاد یک محیط ترسناک، خصمانه، تحقیرآمیز، توهین‌آمیز یا آزاردهنده برای او باشد.

۱۰. با توجه به بررسی تطبیقی جرم مزاحمت جنسی در حقوق ایران و انگلستان و با در نظر گرفتن

قانون برابری ۲۰۱۰ می‌توان پیشنهادهای ذیل را به قانون‌گذار ایرانی ارائه داد:

- تصویب قانون مستقل برای جرم مزاحمت جنسی؛
 - بیان تعریف جامع از مزاحمت جنسی (با الهام از ماده ۲۶ قانون برابری)؛
 - حمایت از بزه‌دیدگان؛
 - آموزش و فرهنگ‌سازی؛
 - گسترش دامنه جرم (با الهام از مواد ۴۰، ۱۳ و ۱۴ قانون برابری)؛
 - حذف محدودیت مکان ارتکاب جرم؛
 - شناسایی هر شخصی به عنوان قربانی جرم؛
 - در نظر گرفتن هر شخصی به عنوان مرتکب جرم.
- امید است با اصلاح قانون و توجه به پیشنهادهای فوق، نظام کیفری ایران در برخورد با جرم مزاحمت جنسی، کارآمدتر عمل کند و از بزه‌دیدگان این جرم حمایت بیشتری به عمل آید.

منابع و مأخذ

۱. آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۳). «تکثر خشونت در آزارهای خیابانی». مطالعات راهبردی زنان. س ۲۶. ش ۶. ص ۱۶۰-۱۸۸.
۲. آقایی‌نیا، حسین (۱۳۸۶). جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی). چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۹). حقوق جزای عمومی. ج ۱. چاپ شصت و هشتم. تهران: نشر میزان.
۴. افراسیابی، محمداسماعیل (۱۳۷۶). حقوق جزای عمومی. چاپ دوم. تهران: انتشارات فردوسی.
۵. ایمانی، عباس (۱۳۸۶). فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری. چاپ دوم. تهران: انتشارات نامه هستی.
۶. بیگی، جمال (۱۳۹۴). بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
۷. پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۲). «تحلیل حقوقی جرم‌شناختی مزاحمت جنسی». پژوهشنامه حقوق کیفری. س ۴. ش ۲. ص ۳۳-۷.
۸. پاد، ابراهیم (۱۳۸۵). حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱ (جرایم نسبت به اشخاص، صدمات بدنی و صدمات معنوی). چاپ اول. تهران: انتشارات دانشور.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. چاپ دوم. تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۰. حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۸۲). کلاه‌برداری و جرایم مشابه در حقوق ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات سنجش.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). فرهنگ متوسط دهخدا (لغت‌نامه). زیر نظر دکتر سیدجعفر شهیدی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. رامین‌راد، علی (۱۳۶۹). حقوق جزای اختصاصی: جرایم مربوط به حیثیت و شرف اشخاص. چاپ اول. تهران: چاپ و صحافی فرهنگ.
۱۳. شکری، رضا و قادر سیروس (۱۳۹۰). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی. چاپ دوم. تهران: نشر مهاجر.
۱۴. صادقی فسایی، سهیلا و مهسا رجب لاریجانی (۱۳۸۹). «مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار». زن در توسعه و سیاست. س ۸. ش ۳. ص ۱۱۱-۱۳۴.

۱۵. صانعی، پرویز (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. چاپ اول. تهران: انتشارات طرح نو.
۱۶. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۳). حقوق جنایی. ج ۱. چاپ سوم. تهران: انتشارات فردوسی.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی عمید. چاپ بیست و دوم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۸. کریمی، عبدالوهاب (۱۳۸۷). «ترک فعل به عنوان رفتار مجرمانه». مجله معرفت. ش ۱۳۴. ص ۱۵۵-۱۷۴.
۱۹. کلارکسون، کریستوفر (۱۳۷۴). تحلیل مبانی حقوق جزا. مترجم: حسین میرمحمدصادقی. چاپ دوم. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، شهید بهشتی.
۲۰. گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۹). حقوق جزای عمومی ایران. ج ۲. چاپ ششم. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. گیدنز، آتونی (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ شانزدهم. تهران: نشر نی.
۲۲. محسنی، مرتضی (۱۳۷۵). حقوق جزای عمومی. چاپ اول. [بی‌جا]: چاپ احمدی.
۲۳. معین، محمد (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی. ج ۲. چاپ سوم. تهران: انتشارات ادنا.
۲۴. معین، محمد (۱۳۷۷). فرهنگ معین. ج ۱ و ۳. چاپ دوازدهم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۵. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۹). «لزوم وجود عنصر مادی برای جرم در پرتوی اصل ۲۳ قانون اساسی». ماهنامه دادرسی. س ۴. ش ۲۳. ص ۴-۷.
۲۶. میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۰). جرایم علیه اشخاص. چاپ سی ام. تهران: نشر میزان.
۲۷. نوربها، رضا (۱۳۸۱). زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ ششم. تهران: نشر دادآفرین.
۲۸. نوربھاری طهرانی، علیرضا (۱۳۹۳). تعرضات جنسی در نظام کیفری ایران و انگلستان. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد.
۲۹. ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۱). حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص). چاپ دهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

Reference

1. Carstensen, G. (2016). "Sexual Harassment Reconsidered: The Forgotten Grey Zone". *NORA-Nordic Journal of Feminist and Gender Research*. 24(4). 267-280.¹
2. Council of Europe. (2011). "Convention on Preventing and Combating

Violence Against Women and Domestic Violence". *Council of Europe Treaty Series*. 210.²

3. Dawson, M. & S. Welsh (2005). "Predicting the Quantity of Law: Single Versus Multiple Remedies in Sexual Harassment Cases". *The Sociological Quarterly*. 46(4).
4. Gilani, S. R. S. & F. J. Cavico & B. G. Mujtaba (2012). "Harassment at the Workplace: A practical Review of the Laws in the United Kingdom and the United States of America". *Public Organization Review*. 14. 1-18.³
5. Ham, M, & S. Gamble (2003). *Culture of Feminist Theories*. Translated by Firoozeh Mohajer; Noushin Ahmadi Khorasani et al. Tehran.
6. Handy, J. (2006). "Sexual Harassment in Small-Town New Zealand: A Qualitative Study of Three Contrasting Organizations". *Gender, Work & Organization*. 13(1).⁴ 1-24.
7. Hudson, S. (2017). "Sexual Harassment: A Myriad of Social and Business Impacts". *Journal of Human Resources Management and Labor Studies*. 5(2).⁵ 1-6.
8. Maurice, D. (1991). *Le Harcèlement Sexuel au Travail*. éd Yvon Blais, Cowan ville, Québec.
9. McGaughey, E. (2019). *A Casebook on Labour Law (Hart 2019)*. chs 12-14. S Deakin and G Morris, *Labour Law (Hart 2012)* ch 6. 'Equality Act 2010 Explanatory Notes/Introduction/Background and summary'.
10. Mitchell, D. & R., DJ, A. Hirschman & R. S. Lilly (2004). "A Laboratory Analogue for the Study of Peer Sexual Harassment". *Psychology of Women Quarterly*. 28(3). 194-203.
11. Numhauser-Henning, A. & S. Laulom (2012). *Harassment Related to Sex and Sexual Harassment Law in 33 European Countries: Discrimination Versus Dignity*. EUR-OP.
12. Rospenda, K. M. & J. A. Richman & S. J. Nawyn (1998). "Doing Power: The Confluence of Gender, Race, and Class in Contrapower Sexual Harassment". *Gender & Society*. 12(1). 40-60.⁶
13. Sev'er, A. (1996). "Mainstream Neglect of Ssexual Harassment as a Social Problem". *Canadian Journal of Sociology/ Cahiers Canadiens de Sociologie*. 21(2).
14. Simian, R. (2005). *Le Harcèlement en Droit Pénal (Doctoral Dissertation, Nice)*.
15. Sweeting, H. & C. Blake & J. Riddell & S. Barrett & K. R. Mitchell

- (2022). "Sexual Harassment in Secondary School: Prevalence and Ambiguities. A Mixed Methods Study in Scottish Schools". *PloS one*. 17(2). e0262248.⁷
16. "Equality Act 2010". *The National Archives*. Retrieved 1 December 2024.
 17. "Non-discrimination". *European Commission*.
 18. "Race discrimination". *Equality and Human Rights Commission*.
 19. "Your rights under the Equality Act 2010". *Equality and Human Rights Commission*.
 20. see EU Directive 2000/78/EC, 2000/43/EC, 2006/54/EC.

مقالات

تحليل نوین از عناصر جرم مزاحمت جنسی با رهیافتی به ماده
۱۹ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و قانون برابری ۲۰۱۰ انگلستان